



| ۴۹ |

جابر بن عبد الله انصاری و روش تفسیر قرآن
دکتر زهرا اخوان مقدم
علمی-پژوهشی
فصلنامهٔ تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال نوزدهم، شماره ۷۶ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، پاییز ۱۴۰۱، ص ۴۹-۷۲

جابر بن عبد الله انصاری و روش تفسیر قرآن

دکتر زهرا اخوان مقدم^۱

چکیده:

این مقاله با روش تحلیل محتوا و تاریخی در پی دستیابی به روش تفسیری جابر بن عبد الله انصاری است. بدون اینکه در پی استقراء همه روایات تفسیری جابر باشد، بلکه تنها به روایات جابر در تفسیر مجمع البیان و برخی دیگر از احادیث او اکتفا کرده است. بر این اساس، جزء جریان «گرایش سلبی» در تفسیر نبوده است و روایات تفسیری جابر چند گونه است: بیان معانی واژه‌ها، شأن نزول آیات، تعیین مصادق آیه، تفسیر و توضیح آیه، بیان بطون آیه، علوم قرآن، احکام فقهی و عبادات. همچنین روایاتی از او که در زمینه تاریخ، فضائل سوره‌ها و فضائل اهل بیت است و برای تفسیر قرآن مفید است. شرح حال مختصر جابر و فرازهای مهم آن، جایگاه جابر نزد پیامبر و اهل بیت و گزارش دیدگاه منابع رجالی شیعه و سنی درباره جابر، نیز در مقاله آمده است.

کلید واژه‌ها: قرآن پژوهی، تفسیر روائی، صحابه، جابر بن عبد الله انصاری، تاریخ اسلام

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - ایران - تهران dr.zo.akhavan@gmail.com



مقدمه

قرآن کریم از صدر اسلام تاکنون، مورد توجه مسلمانان به ویژه اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. پیامبر خاتم صلوات الله علیه و آله و سلم به عنوان نخستین مفسر، مهم‌ترین گام رادر شرح آیات الهی و پرورش مفسرانی چون امام علی صلوات الله علیه و آله و سلم برداشت. ائمه اطهار علیهم السلام نیز به نوبه خود در توسعه فرهنگ قرآنی و تفسیر صحیح آیات نقش اساسی داشتند. صحابه و پس از ایشان تابعان نیز به نوبه خود کوشیدند تا نقاب از چهره قرآن بردارند.

تفسیر قرآن کریم در عصر صحابه که از نیمه دوم قرن اول هجری بیشتر قوت گرفت، جنبه روایی و اثری داشته و براساس روایات و احادیث و تقریر پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم بوده است. تفسیر صحابه به علت مأثور بودن به شکل ساده بیان می‌گردید و در حقیقت شاخه‌ای از علم الحدیث بوده است، اگرچه برخی از صحابه در تفسیر دارای اجتهاد و روش ویژه خود بودند. پس از طبقه صحابه، نقش تابعان در تفسیر قابل توجه است. تابعان، با عصر نزول قرآن و حضور رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم فاصله داشتند، لذا به تدریج اجتهاد در تفسیر و اظهار نظرها قوت گرفت، اما در بین شیعیان، به دلیل وجود ائمه اطهار علیهم السلام انحراف ایجاد نشد و تابعان از وجود ایشان بهره می‌بردند.

در این میان جابرین عبدالله انصاری یکی از اصحاب کم نظیر و خوشنام است. کمتر کسی می‌توان یافت که مانند او بین فرقین، قابل اعتماد همگان باشد. از آنجا که جابر از صحایيان برجسته و مورد توجه پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام بوده و نیز عمر طولانی داشته، بدیهی است که تعداد و به تبع آن گونه‌های روایات منقول از او متعدد باشد. جابرین عبدالله انصاری معروف‌ترین صحابی پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم و در شمار نخستین کسانی است که بعد از هجرت به پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم ایمان آورد. وی به نقل ابوالخیر، از مفسران طبقه اول به شمار می‌رود. سیوطی نیزاورا از مفسران عصر صحابه می‌داند. وی جوان‌ترین ۷۰ نفر از انصار بود که در عقبه با پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم بیعت کردند. در نوزده غزوه با پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم شرکت کرد و در جنگ صفين نیز از یاران امام علی صلوات الله علیه و آله و سلم بود. جابری کی از برجستگان حفاظ حدیث و سنه بوده و در کتب رجال شیعی از بزرگان شیعه و محدثان ثقه به شمار آمده است.



امیر مؤمنان علی علیہ السلام از وی به سبب تفسیر دانی اش تجلیل کرده است. از آنجا که وی هم صحابی است و هم تابعی، بدیهی است که ویزگی هر دو گروه تفسیری صحابه و تابعین را داشته باشد.

براین اساس، بررسی جایگاه جابر و روش او در تفسیر قابل مطالعه است. این مقاله با روش تحلیل محتوا و تاریخی در پی دستیابی به روش تفسیری جابر بن عبدالله انصاری است. البته مقاله حاضر در پی استقراء همه روایات تفسیری جابر نیست، بلکه از بین آنها به صورت انتخابی، گونه‌های تفسیری او را استخراج می‌کند. از این رو پژوهش حاضر تنها به روایات جابر در تفسیر مجمع البيان و برخی دیگر از احادیث او اکتفا کرده، که محقق معاصر جناب استاد حسین واثقی، آنها را در اثر ارزشمند خویش با عنوان «جابر بن عبدالله، حیاته و مسنده» گردآورده و مبنای ایشان، کتاب مجمع البيان فضل بن حسن طبرسی، تصحیح علامه شعرانی است. قابل ذکر است که هیچ مقاله و پژوهش مکتوبی درباره شیوه‌های تفسیری جابر بن عبدالله انصاری وجود ندارد. تنها یک پایان نامه با عنوان «بررسی اقوال تفسیری جابر بن عبدالله در منابع شیعی» توسط خانم لیلان حیدری در دانشگاه تربیت معلم تهران نوشته شده، که در آن به تفاسیر روایی شیعه نظری تفسیر عیاشی، تفسیر قمی، تفسیر فرات کوفی، البرهان، و نور الثقلین مراجعه شده، و تفسیر مجمع البيان ملاک نبوده است. نیز رویکرد آن، بیست بررسی سندی روایات جابر بوده و نتیجه آن هم ارزشگذاری در همین حوزه است. البته در دایره المعارف‌ها و دانشنامه‌ها مدخل‌هایی ذیل حرف «جیم» تحت عنوان جابر بن عبدالله نوشته شده که مشتمل بر بیان زندگی اوست. حتی کتاب درباره جابر بن عبدالله به زبان فارسی به ندرت یافت می‌شود. کتاب استاد حسین واثقی در این باب کم نظری است، ولی به زبان عربی می‌باشد. نیز گفتتنی است که ابن کثیر دمشقی در کتاب مفصل خودش با نام «جامع المسانید والسنن» دو جلد را فقط به روایات جابر اختصاص داده است.

۱. معرفی جابر بن عبدالله انصاری

جابر از معروف‌ترین صحاییان پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم است که حدود ۸۵ یا ۹۴ یا ۹۸ سال عمر



کرد. اگرچه در سن او اختلاف است و از همین رو تاریخ وفات او را حدود ۷۴ قمری (معادل ۶۹۳ میلادی) دانسته‌اند. نام او جابر و کُنیه‌اش ابو عبد‌الله است، ولی کنیه‌های دیگری نیز برای او مانند ابو محمد و ابو عبد‌الرحمان نیز نقل شده است (الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۱، ص ۲۲۰). جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام بن کعب از مسلمانان مدینه بوده که دو قبیله مشهور اوس و خزر در آن شهر می‌زیستند و تبار خاندان جابر به تیره «بنی سلمه» از خزر چیان می‌رسد. بدیهی است که در آغاز بعثت پیامبر ﷺ در مکه نام او در بین مسلمانان نباشد، چون در مدینه بوده؛ ولی در بین اهل مدینه، او و پدرش نخستین کسانی هستند که قبل از هجرت پیامبر ﷺ ایمان آورده‌اند و در عنوان بعدی خواهد آمد.

سیفیه

۲. معرفی صحابی بزرگوار جناب «عبد‌الله انصاری» پدر جابر

پدر جابر «عبد‌الله بن عمرو حرام» اهل مدینه، صحابی رسول خدا ﷺ، از تبار خزر و از بزرگان انصار بود. وی آنگاه که پیامبر ﷺ در مکه بود، و فقط دوازده نفر در فضای خفغان مشرکان به طور پنهانی با پیامبر ﷺ بیعت کردند، یکی از آنها بود که به «بیعت عقبه اولی» معروف است. سپس در «بیعت عقبه دوم» نیز بین هفتاد تن بیعت کننده جای داشت که البته نماینده انصار بودند. عبدالله، مدافعانی اکرم ﷺ بود و در جنگ احد در رکاب پیامبر ﷺ شهید شد (المعارف، ص ۳۱۶). او فرزندش جابر را در جنگ‌های مهم به دنبال خود می‌برد تا به مسلمانان مجاهد کمک کند (العلل، ج ۱، ص ۴۰۸).

۳. زندگی جابر بن عبدالله و فرازهای مهم آن

اگرچه مروری بر حیات جابر گذشت، ولی ویژگی‌های مهمی در زندگی او وجود دارد که به سبب درس آموزی والگوبرداری، توجه ویژه می‌طلبد.

۱-۱. جایگاه ویژه جابر نزد پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام، و اعتقادات شیعی او

اعتقادات شیعی جابر همانند محبوبیت او نزد شیعه و سنتی جای شک و شباه ندارد. او همیشه از صحابه امامان معصوم علیهم السلام بوده و طبق روایت مشهور، سلام



پیامبر ﷺ را به فرزند نسل چهارمش، یعنی امام باقر علیه السلام رساند. روایات متعددی در افضلیت و وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام از او نقل شده و فضائل اهل بیت علیه السلام نیز در منقولات او فراوان است. جابریکی از هفت صحابی است که در جریان سقیفه، نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام و حق امامت ایشان و جانشینی پیامبر ﷺ وفادار ماند (حمیری، ص ۷۹؛ کشی، ص ۳۸؛ مقدسی، ج ۵، ص ۱۲۷). از این رو درین شیعیان جایگاه ویژه دارد. او اگرچه به واسطه نابینایی یا کم بینایی نتوانست در حادثه عاشورا شرکت کند، ولی با همان وضعیت جسمی و کهولت سن، نخستین زائر امام حسین علیه السلام به حساب می‌آید، که در روز اربعین اتفاق افتاده است. کلام او به عطیه کوفی در همین زیارت، قابل توجه و شنیدنی است.

۲-۳. جهاد جابر و شرکت او در جنگ‌های متعدد همراه پیامبر ﷺ

جابراز همان زمان نوجوانی، که هنوز تکلیف جهاد بر او واجب نبود، همراه پدر در جنگ‌های پیامبر ﷺ شرکت می‌کرد و به جهادگران یاری می‌رساند. داستان آب آوردن او برای زخمی‌ها در روز جنگ احد مشهور است (التاریخ بخاری، ج ۲، ص ۲۰۷) و این ماجرا از زبان خود او نیز نقل شده است (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۱۶). اگر چه برخی حضور او را در جنگ احد نفی کرده‌اند (المعارف، ص ۳۰۷)؛ ولی به نظر می‌رسد حضور او در جنگ، به عنوان مرد جنگی و جهادکننده نفی شده است. به گفته محققان، جابر از همان عنفوان جوانی، همراهی و مصاحبیت پیامبر ﷺ را ترک نکرده و در جنگ‌ها شرکت داشته است. به گزارش خود جابر، وی از بین ۲۷ غزوه رسول خدا ﷺ در ۱۹ غزوه حاضر بود (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۱، ص ۲۱۴)؛ و نیز در برخی سریه‌ها هم شرکت جسته است (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۲). در برخی گزارش‌های تاریخی آمده که وی تنها در یک جنگ همراه پیامبر ﷺ نبود، و آن، جنگ «حمراء الأسد» است که بلا فاصله بعد از جنگ احد به وقوع پیوست و جابر با اجازه پیامبر ﷺ از آن جنگ معاف شد، زیرا پدرش تازه شهید شده و وی را سرپرست خانواده کرده بود. گفتنی است که در واقع، جنگی هم اتفاق نیفتاد.



۳-۳. محبوبیت نزد پیامبر ﷺ و ۲۵ بار استغفار پیامبر ﷺ برای او در ماجرا «لیله البعیر»

جابر به واسطه ویژگی‌های مثبت فراوان، از همان نوجوانی مورد علاقه مسلمانان و خصوصاً شخص پیامبر ﷺ بود و اعتبار داشت. فضائل او زیاد و در کتب فریقین مشهور است. از مشهورترین فضائل منقولش ۲۵ بار استغفار پیامبر ﷺ برای او در ماجرا «لیله البعیر» است (پاکتچی، به نقل از ترمذی، احمد بن حنبل، ابن حبان، و حاکم نیشابوری). ماجرا از این قرار است که جابر سرپرست نه خواهر خود بود و از مشکلات مالی رنج می‌برد و دین‌های پدر نیز بر عهده اش بود. سال چهارم هجرت، شبی پیامبر ﷺ در راه بازگشت از غزوه «ذات الرّقاع» جویای حال جابر شد و متوجه شد که بسیار گرفتار است. لذا آبرومندانه مشکل او را بطرف کرد؛ بدینسان که شترووا را خرید و تا مقصد، جابر همراه پیامبر ﷺ بریک شترسوار بود و در همین حال رسول خدا ﷺ بارها برای او استغفار کرد (الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۳). قصه فروش شتر خواندنی است و در منابع متعدد ذکر شده است.

۴-۳. موضع او در قبال اتفاقات سیاسی بعد از رحلت پیامبر ﷺ

برخلاف برخی اصحاب که وارد فعالیت‌های سیاسی و نظامی شده و غالباً مشکلاتی در مسیر پیشرفت اسلام ایجاد کردند، جابر بن عبد الله به مشارکت در چنین کارهایی دامن نیالود و غالباً در مدينه می‌ماند. اما از حق و حقیقت کناره نگرفت و در شمار چند تن محدود بود که در جریان سقیفه در کنار سلمان و ابودر، وفاداری خود را نسبت به امیرالمؤمنین علیہ السلام ابراز و تأکید کرد. وی از رویدادهای پیرامون خود به خوبی اطلاع داشت و گزارش‌های او درباره اعمال عمر در زمان خلافتش و نیز ماجرای شورش مردم بر علیه عثمان و کشته شدن او و همچنین گزارش درباره جنگهای امیرالمؤمنین و نیز حوادث عصر معاویه، همه و همه نشان از این دارد که وی واقعی سیاسی عصر خود را دنبال می‌کرده است (دائیرۃ المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷؛ مدخل جابر. منابع بسیار فراوان فریقین را درباره جابر در همین مقاله ببینید)



۳-۵. ماجراهی ازدواج جابرین عبدالله انصاری

پدر جابر، یعنی عبدالله انصاری عائله‌مند بود. او نُه دخترو به عنوان آخرین فرزند، همین یک پسری‌عنی جابر را داشت. در جنگ اُحد شهید شد و عیال و دُیون او نصیب تنها پسرش ماند. به نقلی از همین رو، پیامبر ﷺ او را از شرکت در جنگ حمراء‌الاسد، که بعد از جنگ اُحد درگرفت، معاف فرمود. قصه فقر او در عنوان «واقعه ليلة البعير» ذکر شد. در سال سوم هجرت، و قبل از غزوة ذات الرقاع ازدواج کرد. او برای ازدواج، مانند دیگر جوانان، به سراغ دختران جوان نرفت، بلکه با بیوه‌ای به نام «سُهیمه» دختر مسعود بن اوسم ازدواج کرد، تا بهتر بتواند از خواهران خود سرپرستی کند. او ماجراهی ازدواج خود را برای پیامبر ﷺ تعریف کرد و حضرت تایید فرمود. ماجرا از این قرار بود که جابر تعریف می‌کند همان زمان که با پیامبر ﷺ بریک شترنشسته بودیم و سخن می‌گفتیم، پیامبر ﷺ از من پرسید: آیا ازدواج کرده‌ای؟ گفتم: آری. پرسید: با بیوه یا با کره؟ گفتم: با بیوه. پرسید: چرا؟ گفتم: فدایت شوم. پدرم که روز اُحد شهید شد، نُه دختر به جا گذاشت. من با یک زن با تجربه ازدواج کردم تا بتواند آن‌ها را جمع و مراقبت کند. نبی اکرم ﷺ با عبارت «أَصَبْتَ» مهر تایید بر تصمیم و عمل او نهاد (درک: الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۴۸؛ ابن کثیر، ج ۴، ص ۹۹؛ منابع دیگر را بینید در: مسنند جابر، ص ۵۷). این موضوع نشان می‌دهد افکاری که در جامعه ما نسبت به ازدواج با زنان بیوه وجود دارد، با اسلام و سنت نبوی تناسبی ندارد.

۳-۶. ارجاع دادن امام حسین علیه السلام در حقانیت سخن خویش به جابر

از آنجا که شخصیت جابر را موافق و مخالف تایید می‌کنند، این نکته در حوادث عاشورا قابل توجه است. در کربلا یک لشکر دشمن حاضر شده‌اند که ادعای مسلمانی دارند، ولی بر روی سبط رسول خدا علیهم السلام به عنوان «خارجی» شمشیر می‌کشند. اینان دم از پیروی پیامبر ﷺ می‌زنند و لذا باید سخنان پیامبر ﷺ را به آنها گوشند نمود. امام حسین علیه السلام، فضائل خویش را از زبان پیامبر ﷺ نقل می‌کند و می‌فرماید: آیا من پسر دختر رسول شما نیستم؟ ... آیا پیامبر ﷺ، من و برادرم را سید جوانان اهل بهشت نشمرده



است؟ سپس امام، دفع دخل مقدر فرموده و ادامه می‌دهد: اگر مرا شخصی راستگو می‌دانید، و در فضائلی که گفتم تصدیق می‌کنید، که می‌دانید از زمانی که فهمیدم خدا بر دروغگویان خشمگین می‌شود، هرگز دروغ نگفته‌ام. ولی اگر مرا دروغگومی شمارید، در بین شما از اصحاب رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم کسانی هستند، که می‌توانید از آنها صحت سخنان مرا جویا شوید. سپس امام حسین عليه السلام نام پنج نفر را می‌برند که یکی از آنها جابر بن عبدالله انصاری است (ارشاد، ج ۲، ص ۹۷؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶).

البته جابر به دلیل سنّ زیاد و نابینایی یا کم بینایی، از شرکت در لشکر امام حسین معاف بود، ولی به نقل شیخ طوسی و ابن طاووس (مصطفیٰ المتهجد، ص ۷۳۰؛ مصباح الزائر، ص ۲۸۶) وی نخستین زائری است که در کربلا مزار امام حسین عليه السلام را زیارت کرد. اهمیت این سفر، آنگاه معلوم می‌شود که چنین سفری در آن زمان، بسیار خطروناک بوده، زیرا مأموران ابن زیاد و یزید همه جا پراکنده بودند و هیچ ابایی از کشتن مردم نداشتند. ولی به قول یکی از محققان معاصر: «خرج رجل محمدی علوی فاطمی حسینی من مدینة الرسول، و عزم على سفر طويل من المدينة الى كربلا...» (مستند جابر، ص ۸۹).

۴. جایگاه جابر در منابع رجالی شیعه و اهل سنت

جابر بن عبدالله انصاری یکی از اصحاب کم نظر و خوشنام است که کمتر کسی مانند او بین فریقین، قابل اعتماد همگان باشد. وی از سال‌های آغازین جوانی در جوار پدر بزرگوارش بانبی اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم بیعت کرد و تا آخر عمرش با اعتقاد سالم گذارند. کمتر کسی است مانند او که به یقین، شیعه باشد ولی در منابع عامه نیز، هیچ قدح و ذمی در موردش موجود نباشد. بهر حال در کتب رجالی شیعه و سنی مدح او فراوان است به اندازه‌ای که در باره او گفته شده: «نیاز به توثیق ندارد» (معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۱۵).

1. شرح حال کامل جابر و ارجاع‌های متعدد را در منابع زیر ببینید: منتهی الامال، تاریخ حضرت خاتم دانشنامه جهان اسلام، مدخل جابر بن عبدالله، از احمد بادکوبه هزاوه؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۷، مدخل جابر، از احمد پاکتچی؛ دانشنامه امام حسین عليه السلام برپایه قرآن و حدیث و تاریخ، ترجمه عبدالهادی مسعودی؛ و ...



۵. گونه شناسی روایات منقول از جابر

از آنجا که جابر از صحایان برجسته و مورد توجه پیامبر ﷺ و ائمه صلوات الله عليهم اجمعین بوده و نیز عمر طولانی داشته، بدیهی است که تعداد و به تبع آن گونه‌های روایات منقول از او متعدد باشد. پس «عبدالله انصاری» احادیث فراوانی از پیامبر ﷺ نقل کرده ولذا در کتب تراجم صحایان، اورا «حافظ سنت نبوی و مکث در حدیث» نامیده‌اند (الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۱، ص ۲۲۰) و روایات او مورد توجه فریقین است. جابر در مسجد نبوی حلقه درس داشت و حدیث، إملامی کرد. نَوْوَی می‌گوید: «از جابر ۱۵۴هـ حدیث نقل شده که ۶۰ حدیث از آنها را هم بخاری و هم مسلم در صحیح خویش نقل کرده‌اند». وی بسیار طالب علم بوده و طبق نقل مستدرک حاکم، برای شنیدن یک حدیث درباره قصاص، تا مصر سفر کرده است (مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۴۳۷). بدیهی است که هم صحابه از او نقل کنند و هم تابعان؛ چون به لحاظ عمر طولانی او، تابعانی چون حسن بصری، عامر شعبی، مجاهد بن جبر، و عطاء بن أبي رباح از او روایت کرده‌اند. حتی برخی امامان شیعه نیز، احادیث نبوی را گاه از قول جابر نقل می‌کنند.

از حیث گونه شناسی، روایات او همه عناوین دینی را در بر می‌گیرد؛ یعنی حوزه اخلاق، حوزه احکام و فقه، و حوزه اعتقادات؛ ولی چون وی صحابی معتقد و پیرو پیامبر ﷺ بوده، احادیث حوزه اعتقادات در بخش امامت از او فراوان نقل شده است. نیز احادیث ناظر بر تفسیر قرآن از او نقل شده که موضوع پژوهش حاضر است، مانند سوال او از «کلاله» که در پاسخ او آیه مشهور به «آیه کلاله» (نساء / ۱۷۶) نازل شد که (طوسی، تبیان، ذیل آیه).

یکی از مهمترین احادیث اعتقادی که از ایشان نقل شده، حدیث معروف لوح در حوزه امامت است که مشتمل بر معرفی امامان شیعه می‌باشد. در همین حوزه امامت، حدیث معروف دیگری هست که به نام «حدیث جابر» مشهور شده و آن نیز مشتمل بر نام ائمه شیعه می‌باشد و چون ذیل آیه «اولی الامر» مطرح شده، در بخش روایات تفسیری بدان خواهیم پرداخت.



۶. روش تفسیری جابر بن عبد الله انصاری

برای فهم روش تفسیری جابر، باید با تفسیر در دوران صحابه آشنا باشیم. با نزول قرآن، مردم برای فهم آن، به پیامبر رجوع می‌کردند، زیرا وظیفه تعلیم کتاب با پیامبر بود (جمعه ۲). کتاب خدا به زبان عربی بود و درک معانی ظاهری آن، برای عرب‌زبان‌ها آسان می‌نمود، ولی به دلائلی معانی قرآن در ظاهر آن محدود نمی‌شد، اگرچه برخی عالمان در این حوزه مبالغه کرده و معتقدند که همه معاصران نزول، همه مفردات و جملات قرآن را درک می‌کردند (مقدمه تاریخ، ص ۲۷۹). گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که تنها با دانستن زبان عربی، فهم قرآن برای همه ممکن نبوده، چون اولاً برخی از آیات نیاز به استدلال و برهان و قیاس منطقی داشته (انبیا/۲۲؛ انعام/۷۶)؛ ثانیاً برخی از آیات ناظر به احکام و به صورت کلی بوده و جزئیات آن نیاز به تبیین داشته (اسراء/۷۸ و ...)؛ ثالثاً آیات قرآن مشتمل بر کنایه‌ها و استعاره‌هایی است که نیاز به تفسیر دارد (نور/۳۵ و ...)؛ رابعاً آیات متشابه در کلام خدا هست که به تبیین و تفسیر نیاز دارد. رسول خدا ﷺ و که نخستین مفسر قرآن بود، در مدرسه تفسیری خود به دو شیوه عمومی برای همه مردم، و خصوصی برای صحابیانی خاص، مفاهیم قرآن را تبیین می‌فرمود.

همه صحابه از نظر قدرت فکری و فهم قرآن یکسان نبودند و خود نیز به این امر اعتراف می‌کردند. از خلیفه اول و دوم و نیز ابن عباس گزارش‌هایی رسیده که نشان می‌دهد فهم آیات قرآن برای آن‌ها آسان نبوده است (آشنایی با تاریخ تفسیرو مفسران، ص ۵۶). گذشته از هوش و استعداد و دانش، از حیث دینی و معرفتی و اهتمام به پیروی از رسول خدا ﷺ و یادگیری معارف قرآنی از ایشان، نیز بسیار متفاوت بوده و در یک سطح نبودند. لذا عدد روایات تفسیری منقول از پیامبر ﷺ در بین صحابه بسیار متفاوت است، ولی به طور کلی می‌توان گفت تفسیر صحابه این ویژگی‌ها را داشته است: به شکل نقل زبانی و روایت از پیامبر ﷺ بوده یعنی اجتهاد در بین ایشان کم بوده بلکه از آن بی نیاز بودند؛ مقید به تدوین تفسیر نبودند؛ کل قرآن تفسیر نمی‌شد؛ ساده تفسیر می‌کردند و به دنبال وجود معنایی واشتراق کلمات نبودند؛ در مسائل کلامی و فقهی آراء مختلفی وجود نداشت؛



از تفسیر به رأی مبڑا بودند، والبته افزون بر روش نقلی، گاه اجتهدایی نیز در تفسیر ایشان دیده می شد.

پس از طبقه صحابه، نقش تابعان در تفسیر قابل توجه است. از آن رو که تابعان، با عصر نزول قرآن و حضور رسول خدا ﷺ فاصله داشتند، به تدریج اجتهد در تفسیر و اظهار نظرها قوت گرفت، اما در بین شیعیان، به دلیل وجود ائمه اطهار علیهم السلام انحراف ایجاد نشد و تابعان از وجود ایشان بهره می برdenد. به طور کلی تفسیر تابعان این ویژگی ها را داشت: ظهور تنوع و اختلاف در تفسیر از جمله تفاسیر عقلی و عرفانی؛ عبور از مرحله بساطت و ورود مطالب کلامی و فرقه ای به تفسیر؛ تکیه بر اجتهدایی شخصی بدون استناد به پیامبر ﷺ؛ تکیه به ظن و گمان؛ وجود تفسیر به رأی؛ و گسترش روایات اسرائیلی (آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، ص ۸۳ و ۱۲۶).

بر اساس مرور فوق پیرامون تفسیر در بین صحابه و تابعان، جایگاه جابر و روش او در تفسیر قابل مطالعه است. از آنجا که وی هم صحابی است و هم تابعی، بدیهی است که ویژگی هر دو را داشته باشد. البته باید اذعان کرد که رویکرد غالب در تفسیر دو قرن نخستین، رویکرد روائی بوده و دلیل عمدہ اش صرف نظر از بساطت تفسیر و حضور پیامبر ﷺ، روحیه عمل گرایی و پرهیزار بحث و مجادله های نظری بود. لذا فهم قرآن را موقوف به بیان نبوی می نمودند. از همین جاست که بحث امکان یا عدم امکان فهم قرآن به وجود آمد.

مطالعه روایات جابرین عبدالله نشان می دهد وی جزء جریان «گرایش سلبی» در تفسیر نبوده است. توضیح آن که پس از عصر نزول، شاهد دو جریان کلی در تفسیر هستیم. اول گروهی که از جریان روایت گرایگانه هستند و تفسیر را به مشابه دانش مستقلی می شمند که حدیث، تنها یکی از منابع آن است. دوم گروهی که تفسیر را صرفاً در بستر دانش حدیث و در قالب روائی جستجو کرده و باب نظرورزی و اجتهد را مسدود می دانستند. اینان خود به دو بخش قابل تقسیمند. بخش اول گرایش سلبی یعنی کسانی که به دلیل بضاعت علمی کم، و یا تقوی زیاد و ترس از درافتادن به دام «تفسیر به رأی»، از تفسیر اکراه



داشتند و حتی اگر شخصی تکیه بر روایت نمی‌کرد مورد انتقاد قرار می‌گرفت. بخش دوم گرایش ایجابی یعنی کسانی که به رغم تنگ نظری در روش تفسیر روائی، قلمرو روایات را توسعه داده و آثار تفسیری را گسترش دادند.

در حوزه اهل سنت، روایات صحابه را حجت دانستند؛ ولی در حوزه تشیع، محور اصلی بر احادیث اهل بیت علیهم السلام استوار بود که به مثابة سخن پیامبر ﷺ پذیرفته می‌شد (آسیب شناسی جریان‌های تفسیری، ص ۱۲۴-۱۳۰). جابر از آن روی که صحابی بود، غالب تفسیروی نقل از رسول خداست، اما از آن روی که تابعی بود، رایحه‌هایی از اجتهاد نیز در تفسیر او به چشم می‌خورد.

۷. تحلیل و بررسی روایات تفسیری منقول از جابر

به دو سبب تعداد روایات منقول از جابر بن عبدالله انصاری فراوان است. اول آن که وی از سن نوجوانی و جوانی مصاحب پیامبر ﷺ و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین بوده، و دوم آن که عمر طولانی داشت. از همین رو همه گونه‌های روایات، در منقولات او دیده می‌شود. هدف مقاله حاضر بررسی روایات تفسیری اوست که آنها هم کم نیستند و به چند گونه قابل تقسیم‌اند که در ادامه خواهند آمد. اینک لازم است دو تذکر مهم ارائه شود.

تذکر اول آنکه مقاله حاضر در پی استقراء و اصطیاد همه روایات تفسیری جابر نیست، بلکه از بین آنها به صورت انتخابی، گونه‌های تفسیری او را استخراج می‌کند. از این رو پژوهش حاضر تنها به روایات جابر در تفسیر مجمع البیان و برخی دیگر از احادیث او اکتفا کرده، که محقق معاصر استاد حسین واثقی، آنها را در اثر ارزشمند خویش با عنوان «جابر بن عبدالله، حیاته و مسنده» گرد آورده و مبنای ایشان، کتاب مجمع البیان فضل بن حسن طبرسی، تصحیح علامه شعرانی است. بدیهی است که روایات جابر، هم در منابع شیعی و هم در منابع عامه بسیار است تا آنجا که ابن کثیر دمشقی در کتاب مفصل خودش با نام «جامع المسانید والسنن» دو جلد را فقط به روایات جابر اختصاص داده است. روایات این صحابی بزرگوار در مورد تفسیر قرآن به اندازه‌ای است که سید محسن عاملی، وی را از «أجلاء مفسّرين» می‌شمارد (اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۴۶).



تذکر دوم آن که روایات تفسیری جابر از حیث استناد به نبی اکرم ﷺ، در کل برد و گونه قابل تقسیم است. برخی به شخص رسول خدا ﷺ استناد داده می شود، چه آن که خود جابر مستقیماً از ایشان نقل کند، و چه آن که جابر ناقل گفتگوی پیامبر ﷺ با شخص دیگری باشد. برخی دیگر به ظاهر، استنادی به رسول خدا ﷺ ندارد؛ لذا معلوم نیست که اجتهاد جابر بوده، یا چیزی از سند ساقط شده است. با توجه به این دو تذکر، اینک در هفت بخش، تنویع و تبییب روایات جابر می آید.

۱- روایات تفسیری جابر، ناظر بر بیان معانی واژه ها

سال نوزدهم، شماره ۶۴، پیاپی ۱۲۰

فهم هر جمله و متنی مبتنی بر فهم مفردات آن است و در تقدم فهم واژه ها بر جمله ها شکی نیست. بر همین اساس، بحث از مفردات قرآن ریشه در زمان نزول دارد. در این زمینه از جابر روایاتی نقل شده، مانند آن که جابر از گفتگوی یک شخص با رسول خدا ﷺ گزارش می دهد که از معنای «قنوت» می پرسد. خداوند در سوره بقره آیه ۱۱۶ می فرماید: وَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّهُ لَهُ قَاتِنُونَ. در مجمع البیان ذیل آیه مذکور آمده که اصل در معنای قنوت، دوام است؛ ولی در وجوده متعدد استعمال شده، اول به معنای «طاعت» و «کل له قانتون» یعنی «مطیعون». دوم به معنای «نماز» مانند آیه «یا مریم اقنتی لربک». سوم به معنای «طول قیام»، چنانچه از جابر بن عبدالله روایت شده که از پیامبر ﷺ سوال شد: «چه نمازی افضل است؟ فرمود: «طول القنوت ای طول القیام». سپس طبرسی وجوه دیگری را نیز بیان می کند. بنابر حديث جابر، یکی از معانی «قانت بودن»، قیام طولانی به عبادت است.

نمونه دیگر از بیان معنای مفردات قرآن، معنای عقل است که در لغت به معنای «منع» و «بازداشت» آمده است. خداوند در سوره عنکبوت آیه ۴۳ می فرماید: وَتَلَكَ الْأَمْثَالُ نَصْرِبُهَا إِلَى النَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ. می دانیم که واژه عقل در قرآن نیامده، زیرا آنچه برای قرآن مهم است، صرف داشتن «عقل» نیست، بلکه به کار گیری آن است؛ لذا قرآن کاربرد فعلی عقل را استعمال می کند و بر کاربست عقل تاکید می فرماید. از این رو با ثلاثة مجرد «یَعْقِلُ» و یا ثلاثة مزید «تَعْقِلٌ» از آن تعبیر می فرماید. در آیه مورد بحث، نوع اول کاربرد



طرح است و می‌فرماید مَثَلُهَايِي که ما می‌زنیم، فقط عالماًن برآنها تعقل می‌کنند. جابرین عبدالله در روایتی می‌گوید: «تَلَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَذِهِ الْأَيَّةُ: وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ وَقَالَ: الْعَالَمُ الَّذِي عَقَلَ عَنِ اللَّهِ، فَعَمِلَ بِطَاعَتِهِ، وَاجْتَنَبَ سَخْطَهُ»؛ (مسند جابر، ص ۳۷۸، حدیث ۴۱۲؛ به نقل از: مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۸۴)؛ یعنی: پیامبر ﷺ این آیه را خواند و فرمود: عالم کسی است که از طرف خدا تعقل کند، پس به او امراء کمربند و از نواهی او دور شود. تعبیر «عَقَلَ عَنِ اللَّهِ» در روایات متعددی از جمله روایت هشام از امام کاظم علیه السلام درباره عقل و جهل آمده، و اندیشمندان اسلامی در ترجمه آن به زحمت افتاده‌اند. شاید بتوان گفت معنای روایت این شود که: «عالم کسی است که تعقل و بصیرت الهی داشته باشد، پس به عامل به اطاعت الهی است و از خشم او پرهیز می‌کند». در مجمع البحرين، تعبیر فوق، به «عَرَفَ عَنِ اللَّهِ» معنا شده، و با توجه به سخنان شارحان اصول کافی پیرامون حدیث هشام، به نظر می‌رسد تعبیر «عَقَلَ عَنِ اللَّهِ» بدین معناست: «بصیرت و معرفت عمیقی که بالهای خداوند حاصل می‌شود و موجب ایجاد تقوی می‌گردد». براین اساس طبق روایت جابر، در «يَعْقِلُ» معنای لغوی عقل، یعنی «منع» نهفته است که ایجاد ملکة «تقوا» می‌کند و این تقوا، خود باعث عمل به دستورات الهی و بازداری از نواهی الهی می‌گردد.

نمونه سوم ذیل آیه ۱۴ سوره بلد است؛ آنجا که خداوند می‌فرماید: «أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ».. در آیات قبل سخن از چیستی «عَقَبَةٍ» به میان آمده، و در پاسخ دو عمل ذکر شده، که اولی آزادسازی برده، و دومی اطعام به دو گروه است: یتیم و مسکین. اما در چه زمانی؟ «فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ». واژه «مسغبَة» از تکامدهای قرآن است و تنها همین جادیده می‌شود و مصدر میمی از ریشه «سَغَب» می‌باشد. راغب می‌گوید: این مصدر میمی، به معنای «گرسنگی تواًم با زحمت» است؛ پس چون تعبیر آیه شریفه «يَوْم المَسْغَبَه» است، به نظر می‌رسد مرادش اطعام در ایامی است که فقر و گرسنگی بر مردم غلبه کرده باشد؛ ولی طبرسی آن را به معنای مطلق گرسنگی می‌داند. «سَغَب» بروزن «غضب» به معنای گرسنگی است و طبرسی «سَغِبَ يَسْغَبُ» را معادل «جَاعَ يَجْوَعُ» می‌شمارد.



جابرین عبدالله در این باره حدیثی از قول رسول الله ﷺ نقل کرده که می‌فرماید: «من مُؤْجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ إِطْعَامُ الْمُسْلِمِ السَّغْبَانِ»؛ (مسند جابر، ص ۳۸۲، حدیث ۴۲۹؛ به نقل از مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۴۹۵)؛ یعنی: طعام دادن به مسلمان گرسنه، موجب بخشش الهی می‌شود. براین اساس، مراد آیه، مطلق گرسنگی می‌شود.

۷-۲. روایات تفسیری جابر، ناظر بر ارائه شان نزول آیات

برخی از آیات قرآن بعد از یک سؤال یا یک ماجرا نازل شده‌اند تا پاسخی برای سؤال یا توضیحی برای ماجرا باشند و در اصطلاح علوم قرآنی به آن «شأن نزول» می‌گویند. آگاهی از شأن نزول‌ها در فهم قرآن بسیار کارآمد هستند تا جایی که برخی عالمان، آن را شرط اساسی فهم می‌دانند، اگرچه در روایات شأن نزول دقت و پالایش، ضروری است. سخن صحایان رسول خدا ﷺ که در فضای نزول حاضر بوده‌اند، در نقل این ماجراهای فضایها برای آیندگان، کمک کننده‌اند. منقولات جابر در حوزه بیان شأن نزول آیات فراوان است و تعجبی هم ندارد؛ چون وی مصاحب پیامبر ﷺ بوده و در بسیاری از موقع، هنگام نزول آیات، در متن واقعه حاضر بوده، واژه زمینه و سبب نزول آیات با خبر بوده است. مثلاً ذیل آیه ۱۱۵ بقره، روایت جابر می‌تواند بدفهمی یا ابهام آیه را برطرف نماید. خداوند می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيَّمَا تُولِّوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلَيْهِ». شاید گمان شود که برای خواندن نماز، یافتن قبله خاص ضرورت ندارد و به هرسویی بخوانیم کافی است، ولی شان نزول روشی می‌سازد که نزول آیه، کلی و ناظر به همه زمان‌های نیست. جابر می‌گوید: در یکی از «سریه‌ها» رسول خدا ﷺ عده‌ای را برای جنگ فرستاد، که من هم جزء آن‌ها بودم. شب تاریکی بود و مانتوانستیم قبله را بیابیم. برخی گفتند ما قبله را می‌شناسیم و به سمت شمال، اشاره کرده و سپس نماز خواندن و خطوطی را کشیدند. گروهی دیگر نیز ادعا کردند که ما می‌شناسیم، و سمت جنوب نماز خواندن و خطوطی کشیدند. وقتی صبح شد و خورشید طلوع کرد، دیدیم که خطوط هردو گروه، غلط است و سمت قبله نبوده است. از سفر برگشتیم و موضوع را از رسول خدا ﷺ پرسیدیم. پیامبر ﷺ قدری سکوت کرد و سپس این آیه نازل شد. (مسند جابر، ص ۳۶۷، ح ۳۷۰؛ به نقل از مجمع



البيان، ج ۱، ص ۱۹۱). اگرچه شأن نزول‌های مختلفی برای آیه مطرح شده، ولی روایت جابر راهکشاست.

نمونه دیگر در مورد آیه ۱۹۹ آل عمران است که خداوند می‌فرماید: «وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاصِّيَّةً لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثُمَّنَاً قَلِيلًاً أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ». آیه تصریح دارد که شخصی از اهل کتاب، چنین ایمانی داشته و لیاقت چنین مدحی را دارد، اما این‌که چه کسی از اهل کتاب در این آیه مورد تمجید قرار گرفته، بین مفسران اختلاف نظر است. جابر در روایتی می‌گوید: زمانی که نجاشی، حاکم حبشه از دنیا رفت، جبرئیل به رسول اکرم ﷺ گفت: خارج شوید و براونماز بخوانید. پیامبر ﷺ پرسید: بر چه کسی؟ گفت: نجاشی. پس رسول خدا ﷺ به سمت بقیع رفت و زمین حبشه براو مکشوف شد، و برجنازه او نماز خواند و برگشت. منافقان گفتند: این مرد را ببینید که چگونه بریک نصرانی حبشه، که تا به حال اورا ندیده و اعتقادی به دین او - یعنی اسلام - ندارد، نماز می‌خواند! پس این آیه نازل شد. (مسند جابر، ص ۳۷۰، ح ۳۸۱؛ به نقل از مجمع البيان، ج ۲، ص ۵۱). اگر روایت جابر را بپذیریم، احتمال مسلمان شدن نجاشی تقویت می‌شود؛ زیرا آیه کریمه تصریح دارد که او به دین خودش و دین مسلمانان اعتقاد داشته و در مقابل خدا، خاشع بوده است.

نمونه سوم در باره سوره جمعه آیه ۱۱ است که خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الْهُوَوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ». جابر که در ماجرا حضور داشته، می‌گوید: أَقْبَلَتِ عِيرُوْنَحْنُ نُصَلِّي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ الْجُمُعَةَ، فَانْفَضَّ النَّاسُ إِلَيْهَا فَمَا بَقِيَ غَيْرُ اثْنَيْ عَشَرَ رَجُلًا أَنَا فِيهِمْ، فَنَزَّلَتِ الْآيَة... یعنی: «روز جمعه کاروانی رسید، در حالی که ما با پیامبر ﷺ نماز می‌خواندیم. همه مردم به سوی کاروان رفتند و فقط من و یازده نفر دیگر باقی ماندیم ولذا این آیه نازل شد». قابل توجه آنکه این آیه می‌تواند مدح و فضیلت جابر بن عبد الله و بقیه افراد همراه او به حساب آید، و نیز برای بقیه مسلمانان، اعم از مهاجران و انصار، قدح و ذم باشد. نیز می‌تواند میزان ادب و فهم و دینداری و علاقه صحابیان را به پیامبر ﷺ و سطوح مختلف ایمانی آنها را نشان دهد.



۷-۳. روایات جابر، ناظر بر تعیین مصدق آیه

از آنجا که دأب قرآن غالباً تصريح برنام افراد نیست، چه افراد ممدوح و چه مذموم، یکی از مشکلات تفسیر آیات قرآن، تعیین مصدق برای ضمیرها یا اسم اشاره ها و یا موصول هاست، که گاه از آن به «تأویل» یاد می شود. گفتندی است که تأویل هر آیه، هر معنایی است که در ظاهر آیه نمی گنجد و چنین معنایی، اعم است از معین کردن مصدق، و یا عمق بخشیدن به معنای ظاهری و رسیدن به بطن آیه. (تفصیل بحث را ببینید در: اصول تفسیر قرآن برگرفته از روایات اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۷۵-۴۰۲). در حوزه تعیین مصدق آیه نیزار جابر روایاتی نقل شده که نمونه هایی ارائه می گردد.

ذیل آیه صدم سوره توبه، از قول جابر روایتی نقل شده که مصدق آن را مشخص می کند. آیه چنین است: «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعْدَ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». سخن از کسی است که از مهاجران و انصار بوده، ولی سبقت ایمانی داشته است. اقوال مختلفی مطرح شده که بین مهاجرین، نخستین ایمان آورند که کسی است، ولی جابر نقل کرده که مصدق آیه، در بین زنان حضرت خدیجه علیہ السلام و در بین مردان علی بن ابی طالب علیہ السلام است (مسند جابر، ص ۳۹۹، ح ۳۷۵؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۵، ص ۶۵).

نمونه دیگر آیه ۱۷ سوره هود می باشد که خداوند می فرماید: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتَلَوُهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كَتَابٌ مُوسَى إِمامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكُفُرْ بِهِ مِنَ الْأَخْرَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَاتَأْكُلُ فِي مَرِيَّةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ». علاوه بر روایاتی از امام باقر و امام رضا علیهم السلام، جابر هم نقل کرده که شاهد پیامبر علیهم السلام در عبارت «يَتَلَوُهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» علی علیهم السلام است که همواره به نفع پیامبر علیهم السلام شهادت می داد (مسند جابر، ص ۳۷۵، ح ۴۰۲؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۵۰).

نمونه سوم در تعیین مصدق مطهران آیه تطهیر است، آنجا که خداوند می فرماید: «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا» (احزان ۳۳). جابر نقل می کند که این آیه در حالی بر پیامبر علیهم السلام نازل شده که در خانه، غیر از فاطمه و علی و



حسن و حسین کسی نبود؛ و رسول خدا فرمود: «اللهم ان هؤلاء اهلی». (مسند جابر، ص ۳۷۹، ح ۴۱۵؛ به نقل از مجمع البيان، ج ۸، ص ۳۵۷). البته مفسران اهل سنت، روایات جابر را می‌پذیرند، ولی آنگاه که مخالف میلشان باشد، رد می‌کنند. از جمله در همین مورد، همسران پیامبر را نیز از مصاديق آیه برمی‌شمارند (تفصیل بحث در کتاب: آیة تطهیر در شعر شعرای عرب، از همین قلم، بخش اول).

۴. روایات جابر ناظر بر تفسیر و توضیح آیه

صحابیان پیامبر اطراف ایشان بودند و طبیعی بود که از معانی آیات نازل شده پرسند، و گاه پیامبر خودشان بدون پرسشی از سوی صحابه، مبادرت به توضیح و تفسیر آیه می‌کردند. البته همه صحابیان به دنبال کسب دانش و فهم قرآن نبودند و ادعای فهم نیز نداشتند، لذا اگر کسی از آنها می‌پرسید، صراحتاً می‌گفتند: آنگاه که پیامبر را ببینید در مسجد بود، ما در بازارها به دنبال کسب درآمد بودیم (شغل برخی صحابه را ببینید در: حیاة الحیوان الکبری، ج ۱، ص ۲۷۵). در کتاب التفسیر والمفسرون، نویسنده با وجود تعصب نسبت به شیعه، به تفاوت صحابه در حوزه علم و خصوصاً علم تفسیر، و نیز جایگاه ویژه امیر المؤمنین اشاره کرده می‌نویسد: «علی اقیانوسی از علم و شخصیتی توانمند در استدلال بود ... و صحابه به او پناه می‌برند و در این خصوص، سخن عمر کافی است که می‌گفت: مبادا که گرفتاری داشته باشم و علی را نداشته باشم، تا آنجا که این سخن او، مانند ضرب المثل شده است» (التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۶۷). علامه امینی بحث‌های مفصلی درباره میزان دانش صحابه براساس کتب اهل سنت گردآوری کرده است (الغدیر فی الكتاب والسنہ والادب، ج ۶، بحث نوادر الاثر فی علم عمر).

چنانکه گذشت، جابر از صحابیان واقعی بود و طبیعی است که توضیح و تفسیرهای پیامبر را ثبت و ضبط کند.

۵. روایات جابر ناظر بر بیان بطنون آیه

قرآن، ذوبطنون است و در روایات آمده که هر آیه تا هفتاد بطن دارد. البته این عدد ناظر بر تکثیر است. اگر قرآن، بطنون مختلف نداشت، جاودانگی و جامعیت آن زیر سؤال



می‌رفت. بطن، لایه‌های زیرین معنایی هستند که حتماً باید با ظاهر آیه، در یک جهت و مسیر باشند. به عبارت دیگر معنایی که به شکل بطنی از آیه برداشت می‌شود، نباید مخالف ظهر و ظاهر آیه باشد. این قید مهم موجب می‌شود که باب تفاسیر اشاری و باطنی غلط بسته شود، و هر تفسیر و توضیحی با برچسب «بطن» به کلام خدا ملحق نگردد.

در این‌که چه کسانی می‌توانند بطون قرآن را بفهمند، اختلاف است. یک نظر آن است که معصومان برخی از بطون را برای ما مطرح ساخته‌اند، ولی در ضمن آن خواسته‌اند تا روش تفسیر و استخراج بطون را نیز آموخت دهند. یکی از صحابیانی که بطون قرآن را نقل کرده، جابر بن عبدالله است. به عنوان نمونه به آیه زیر توجه شود: «فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مُتَّهِمُ مُتَّقُومُونَ» (زخرف/۴۱). در آیات قبل از آن، سخن از کسانی به میان آمده که کور و گر هستند و هدایت را نمی‌پذیرند. در این آیه با خطاب «ک» به پیامبر گرامی ﷺ، وعده داده شده که از چنین دشمنانی انتقام خواهیم گرفت. این ظاهر آیه است؛ اما جلوه‌ای از بطن آیه را جابر روشن می‌کند. وی می‌گوید: «أَتَيْ لَأَذْنَاهُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ فِي حِجَّةِ الْوَدَاعِ بِمِنْيٍ، حِينَ قَالَ: لَا أَلْفِينَكُمْ تَرْجِعُونَ بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ، وَأَيْمُ اللَّهُ لَئِنْ فَعَلْتُمُوهَا، لَتَعْرِفُنِي فِي الْكَتِيَّةِ الَّتِي تُضَارِبُكُمْ. ثُمَّ التَّفَتَ إِلَى خَلْفِهِ فَقَالَ: أَوْ عَلَيِّ أَوْ عَلَيِّ ثَلَاثًا. فَرَأَيْنَا أَنَّ جَبْرَئِيلَ عَمَّزَهُ، وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى أَثْرِ ذَلِكَ: فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ بِعَلَيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. توضیح ماجرا مفصل است، اما خلاصه آن‌که، پیامبر ﷺ اشاره به همدستی و هم‌داستانی مخالفان خویش دارند و تصریح به این‌که این صحابیان، حتی قراردادی بر علیه پیامبر ﷺ نوشته‌اند. سپس آیه نازل می‌شود که از آن‌ها سخت انتقام می‌گیرم به وسیله علی علیه السلام (مسند جابر، ص ۴۱۷، ح ۴۱۷؛ به نقل از مجمع‌البیان، ج ۹، ص ۴۹).

نمونه دیگر آیه ۳۰ از سوره محمد ﷺ می‌باشد که خدامی فرماید: «لَوْنَشَاءُ لَأَرِينَاكُمْ فَلَعْرَقْتُهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ». ظاهر آیه روشن است، اما جابر در حدیثی، ذیل آیه فوق، بطن آن را چنین روشن می‌کند: «وَاللَّهِ مَا كُنَّا نَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ



فِي زَمَانٍ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا بِعُضُّهُمْ عَلَيْهَا، یعنی: بخدا ما پیوسته چنین بودیم که منافقان را در زمان رسول خدا علیهم السلام، با بعض نسبت به علی علیهم السلام می‌شناختیم. این حدیث در مصادر مهم اهل سنت مانند مسنند احمد حنبل و جامع المسانید ابن کثیر نقل شده، و راویان حدیث، اشخاص متعددی از جمله عبدالله بن عمر هستند. (مسند جابر، ص ۳۸۰، ح ۴۲۰؛ به نقل از مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۵۶).

۷-۶. روایات جابر ناظر بر علوم قرآن

دانش‌های مرتبط با قرآن کریم به دودسته کلی درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. آنچه مربوط به فهم آیه و معنای واژگان و جملات است، به علم «تفسیر» شناخته شده، و علومی که به عنوان مقدمه برای فهم قرآن لازم هستند ولی ارتباط مستقیمی با معنای آیه ندارند، با عنوان کلی «علوم قرآنی» شناخته می‌شوند؛ مانند: علم اسباب نزول، محکم و متشابه، حروف مقطعه، عدم تحریف، جامعیت، وجود و نظرائر، و... .

جابر بن عبدالله انصاری در این زمینه نیز روایاتی نقل کرده و یکی از مواضع علوم قرآن، موضوع وجود و نظرائر است. دانش وجود و نظرائر، از علوم مهم در حوزه واژه‌شناسی قرآن است که سابقه آن به قرون نخستین می‌رسد. در علم وجود، بحث می‌شود که گاه یک واژه، می‌تواند تا بیست معنا داشته باشد، مانند کلمه «امت»، که به معانی آیین، سال، زمان، قوم، وغیره آن در قرآن آمده؛ یعنی هرواژه علاوه بر معنای لغوی که در قاموس‌ها موجود است، در آیه یا عبارت خاص، معنای ویژه‌ای پیدا می‌کند. در علم نظرائر، ازدوا یا چند کلمه سخن به میان می‌آید که یک معنا دارند مانند زنا و سوء، یا قلب و فؤاد. به عبارت دیگر «وجود» در معانی، و «نظرائر» در الفاظ به کار می‌روند. توجه به این دانش، تأثیر زیادی در تفسیر دارد (منطق تفسیر قرآن، ج ۱، ص ۳۴۲).

از جابر در وجود معنایی «خرزی» نقل شده که ذیل آیه ۱۹۴ سوره آل عمران می‌باشد: «رَبَّنَا وَآتَنَا مَا وَعَدْنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَاد». اگرچه فعل «لا تُخْزِنَا» در لغت یعنی: «ما را خوار مکن»، ولی جابر می‌گوید: «إِنَّ الْخَرْزَيَ يَكُونُ بِالدُّخُولِ فِي النَّارِ» یعنی: خواری در قیامت به معنای دخول در آتش است (مسند جابر،



ص ۳۶۹، ح ۳۸۰؛ به نقل از مجمع البيان، ج ۲، ص ۵۵۶). واضح است که وی سخن خود را به پیامبر ﷺ نسبت نداده است. در همین زمینه روایت دیگری از جابر بدون استناد به رسول اکرم ﷺ نقل شده، که وجود معنایی «لهم» را نشان می‌دهد. ذیل آیه «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهُوا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا...» (جمعه ۱۱) یعنی: «این مردم (سست ایمان) چون تجارتی یا لهو و بازی‌چه‌ای بینند بدان شتابند و تورا در نماز تنها گذارند...» جابر می‌گوید: لهو یعنی مزامیر. (مسند جابر، ص ۳۸۲، ح ۴۲۶؛ به نقل از مجمع البيان، ج ۱۵، ص ۲۸۹).

در حوزه «محکم و متشابه» هم به همین شکل یعنی بدون استناد به معصوم، سخن مهمی از جابر نقل شده، آنجا که ذیل آیه هفتم آل عمران، خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٍ فَمَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ رَيْغَ فَيَتَبَعِّعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ...». از آنجا که متابعت آیات متشابه در آیه، مورد سرزنش شدید قرار گرفته، شناخت دو گونه آیات مذکور در سوره آل عمران، امری حیاتی است. از جابر نقل شده که: «أَنَّ الْمُحْكَمَ مَا يُعْلَمُ تَأْوِيلُهُ، وَالْمُتَشَابِهَ مَا لَا يُعْلَمُ تَأْوِيلُهُ، كَقِيامِ السَّاعَةِ»، یعنی: محکم آن است که تأویل (و معنای واقعی آن) دانسته شود، ولی تأویل متشابه قابل فهم نیست مانند زمان قیامت» (مسند جابر، ص ۳۶۸، ح ۳۷۶؛ به نقل از مجمع البيان، ج ۲، ص ۴۰۹). منظور این است که با وجود هرگونه تلاش تفسیری و داشتن علوم مختلف، کسی نمی‌تواند بفهمد که زمان قیامت چه هنگامی خواهد بود.

۷-۷. روایات جابر ناظر بر احکام فقهی و عبادات

روایات منقول از جابر بن عبد الله انصاری در حوزه «فقه» فراوان است. محقق معاصر، صاحب کتاب «جابر، حیاته و مسنده» در یک باب مجزا با عنوان «باب فی الفقه» تعداد ۲۷ روایت را گردآورده است. این روایات در زمینه‌های مختلف مانند احکام ارث، وضو، نماز، جهاد، نکاح، ذبح، قضاؤت، بیع و غیر آن است که گاه با ذکر آیه مربوطه و گاه بدون ذکر آن است. چون پژوهش حاضر در مورد تفسیر جابر فراهم آمده، نمونه‌ای از این گونه روایات ذکر می‌شود. یکی از مباحث مهم در نماز، که بین فریقین اختلاف است، ذکر «بسم الله» در آغاز قرائت سوره حمد است. جابر در این باب روایت صریحی دارد که: رسول



خدا علیه السلام از من پرسید: چگونه نماز می خوانی؟ گفتم: «می گوییم الحمد لله رب العالمین». فرمود: «بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين».

۷-۸. روایات غیرتفسیری جابر بن عبد الله، مشتمل بر آیات قرآن

به طور کلی در روایات منقول از معصومان علیهم السلام، برخی احادیث دیده می شود که مشتمل بر آیات قرآن هستند، ولی ربطی به تفسیر آیه ندارند، یعنی کمکی به فهم و کشف معنای کلام الله نمی کنند، ولی اصطلاحاً در زمرة روایات تفسیری شمرده می شوند. اینک سه نوع از این حوزه ارائه می شود که از جابر نقل شده است.

۷-۸-۱. روایات تاریخی

در منقولات جابر بن عبد الله انصاری، روایاتی یافت می شود که نمی توان آنها را روایت تفسیری نامید، چون کمکی به فهم آیه یا آیات قرآن نمی کند، اما از این حیث که مشتمل بر آیه قرآن است، در شمار روایات تفسیری آمده اند؛ مانند روایاتی که صبغه تاریخی دارند. مثلاً ذیل آیه یکم سوره فتح به نکته جالبی برمی خوریم که اطلاعات حاشیه ای ولی مفید راحول آیه ارائه می کند، آنجا که خدا می فرماید: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا». راوی می گوید: از جابر پرسیدم در «روز شجره» چند نفر بودید؟ گفت: ۱۵۰۰ نفر. سپس گفت: همه تشنه بودیم و رسول خدا علیه السلام دستش را در ظرف آبی فرو برد و از بین انگشتانش چشمه های آب سرازیر گشت. آب، به قدری زیاد بود که همه سیراب شدیم و اضافه هم آمد. دوباره پرسیدم: چند نفر بودید؟ گفت ما ۱۵۰۰ نفر بودیم ولی اگر صدهزار نفر هم بودیم، آب کافی بود (مسند جابر، ص ۳۸۱، ح ۴۲۱؛ به نقل از مجمع البيان، ج ۹، ص ۱۳۷).

ذیل آیات دیگر همین سوره در ماجرای خیبر، از امام باقر علیه السلام حدیث جالبی نقل شده که با توجه به عمر طولانی جابر، قابل توجه است و معتمد بودن اور انشان می دهد. امام پنجم از جابر بن عبد الله بدون واسطه نقل می فرماید که: «علی علیه السلام باب قلعه خیبر را برداشت و طوری قرار داد که لشکر مسلمانان از آن بالا رفته و پیروز شدند. بعد از اتمام جنگ، آن را در جای خودش قرار داد، در حالی که چهل مرد نتوانستند در را حمل کنند». (مسند جابر، ص ۳۸۱، ح ۴۲۲؛ به نقل از مجمع البيان، ج ۹، ص ۱۲۱).



۲-۸-۷. روایات فضائل سوره‌ها

در کتب فرقیین روایاتی دیده می‌شود که پیرامون فضائل سوره‌ها و پاداش قرائت آنها است. این روایات اگرچه تفسیری نیستند، یعنی معنای آیه یا فرازی از قرآن را مشخص نمی‌کنند، ولی از آن جهت که ناظر به قرآن هستند، ذیل روایات تفسیری می‌آیند. جابر نیز ازین‌گونه روایات نقل کرده است؛ مانند آن که پیامبر ﷺ به جابر فرمود: آیا تورا آگاه کنم که افضل سوره‌های قرآن کدام است؟ عرض کردم: بلی فدایت شوم. فرمود: ام الكتاب، که شفای هر دردی هست به جز مرگ. (مسند جابر، ص ۳۶۶، ح ۳۶۸؛ به نقل از مجمع البيان، ج ۱، ص ۱۷).

همچنین در ثواب قرائت سه آیه از اول سوره انعام، جابر بن عبد الله از قول پیامبر ﷺ نقل می‌کند که: «مَنْ قَرَأَ لَثَلَاثَ آيَاتٍ مِّنْ أُولَى سُورَةِ الْأَنْعَامِ إِلَى قَوْلِهِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ، وَكُلَّ اللَّهِ بِأَرْبَعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ، يَكْتَبُونَ لَهُ مِثْلَ عِبَادَتِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَيَنْزَلُ مَلَكٌ مِّنَ السَّمَاوَاتِ السَّابِعَةِ وَمَعْهُ مَرْزِبَةٌ مِّنْ حَدِيدٍ. إِذَا أَرَادَ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوْسُوسَ أَوْ يُرْمِي فِي قَلْبِهِ شَيْئًا، ضَرَبَ بِهَا ضَرِبةً».

۹-۷. روایات تفسیری جابر ناظر بر فضائل اهل بیت علیہ السلام

فراوانی روایات جابر در موضوع فضائل معصومان علیہما السلام از همه موضوعات دیگری‌تر است. جابر صحابی محب اهل بیت علیہ السلام است، تا آنجا که پیامبر ﷺ در باره او فرمود: «يَا جَابِرُ! وَأَنْتَ مِنَّا، أَبْغَضَ اللَّهُ مَنْ أَبْغَضَكَ وَأَحَبَّ مَنْ أَحَبَّكَ» یعنی ای جابر! تو از مایی؛ خدا دشمن می‌دارد آنکه با تو دشمن است و دسوست می‌دارد آنکه تو را دوست دارد (بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۴۸). بدیهی است که این صحابی گرانقدر در نقل فضائل رسول خدا علیه السلام و خاندان گرامش کوتاهی نکرده است. محقق معاصر، این فضائل را در چند باب و ۱۴۶ صفحه گرد آورده، بدون آنکه ادعای استقراء کامل داشته باشد (مسند جابر، ص ۳۱۵-۱۶۹).

فضائل معصومان علیہما السلام که توسط جابر نقل شده، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: گروه اول، روایاتی است که ذیل آیه یا آیاتی نیست و ذکر منقبتی از مناقب ایشان است. گروه



دوم، روایاتی است که صبغه تفسیر قرآن دارد ولی فضائل موجود در قرآن را مطرح می‌نماید و مدد نظر پژوهش حاضر می‌باشد. به عنوان نمونه‌ای از گروه اول می‌توان به حدیث بسیار معروف «لوح» اشاره کرد که در زمان حیات رسول خدا ﷺ و به عنوان بشارت برای تولد حسین بن علی علیهم السلام به حضرت صدیقة طاهره علیهم السلام عطا شد. این هدیه از طرف خداوند و به واسطه جبرئیل بود و به شکل لوحی از جنس زمرّد، و مشتمل بر نام همه امامان بود. استاد واثقی جدا از فضائل اهل بیت علیهم السلام که یاد شد، ده صفحه را به ذکر این روایت اختصاص داده است (مسند جابر، ص ۱۵۹).

گروه دوم نیز بسیار فراوان است و در کتاب‌های جداگانه باید احصا شود. ذیل آیاتی از قبیل آیه ولایت، آیه تبلیغ، آیه تطهیر، آیه إكمال، آیه علم الكتاب، آیه اولو الامر، آیات سوره انسان، و بسیاری آیات دیگر فضائل بی‌شماری از امیر المؤمنین و همسرو فرزندانش علیهم السلام به واسطه جابر نقل شده است. شاید بتوان گفت معروف‌ترین حدیث جابر، همان حدیثی است که ذیل آیة ۵۹ سوره نساء آمده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَئِكُمْ أَنْفَقُوا...». کلینی حدیث را بسیار مفصل نقل می‌کند که خلاصه آن چنین است: امام صادق علیهم السلام فرمود: جابر آخرین صحابی بود که باقی مانده بود و از ما اهل بیت هم جدا نشده بود. او در مسجد رسول خدا علیهم السلام نشسته و مرتب صدایی کرد: «يَا بَاقِرَ الْعِلْمِ». مردم مدینه گمان می‌کردند که هذیان می‌گوید. جابر می‌گفت: بخدا سوگند هذیان نمی‌گوییم. خودم از رسول خدا علیهم السلام شنیدم که فرمود: ای جابر، تو مردی از فرزندان مرادرک می‌کنی که اسمش مانند من و شمائیش نیز مانند من است. او علم را می‌شکافد. سلام مرا به او برسان. این داستان، زمانی اتفاق افتاده که آیه فوق نازل شد و جابر از پیامبر ﷺ پرسید: خدا و رسول را شناختیم و اطاعت کردیم. اولو الامر چه کسانی هستند که باید اطاعت کنیم؟ پیامبر ﷺ در پاسخ، یک به یک جانشینانش را از امیر المؤمنین تا مهدی صاحب الزمان علیهم السلام صلووات الله برای جابر برشمرد و به او فرمود: تو تا عصر فرزندم باقیر العلوم زنده خواهی ماند، پس سلام مرا به او برسان.



استاد واقعی روایات متعدد این زمینه را در بابی جداگانه با عنوان «باب فی ابلاغ جابر سلام رسول الله الى الامام الباقر» در هشت صفحه آورده است (مسند جابر، ص ۳۰۳). احادیث منقول از جابر در باب مهدویت نیز بسیار است که ذیل آیات مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام ذکر شده، و مجال آن در این مقال نیست.

نتیجه‌گیری:

۱. جابر بن عبد الله انصاری یکی از صحابیان برجسته پیامبر ﷺ بود که به واسطه ویژگی‌های مثبت فراوان، از همان نوجوانی مورد علاقه مسلمانان و خصوصاً شخص پیامبر ﷺ بود و اعتبار داشت. فضائل او زیاد و در کتب فریقین مشهور است.
۲. جابر از صحابیان برجسته و مورد توجه پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام و نیز عمر طولانی داشته، بدیهی است که تعداد و به تبع آن گونه‌های روایات منقول از او متعدد باشد.
۳. با توجه به اینکه وی هم صحابی است و هم تابعی، بدیهی است که ویژگی هر دو گروه تفسیری صحابه و تابعین را داشته باشد. جابر از آن روی که صحابی بود، غالب تفسیروی نقل از رسول خدا است؛ اما از آن روی که تابعی بود، رایحه‌هایی از اجتهدان نیز در تفسیر او به چشم می‌خورد.
۴. مطالعه روایات جابر بن عبد الله نشان می‌دهد وی جزء جریان «گرایش سلبی» در تفسیر نبوده است.
۵. از حیث گونه شناسی، روایات او همه عناوین دینی را در بر می‌گیرد؛ یعنی حوزه اخلاق، حوزه احکام و فقه، و حوزه اعتقادات
۶. روایات تفسیری جابر را می‌توان در چند گروه بیان کرد: بیان معانی واژه‌ها، ارائه شأن نزول آیات، تعیین مصدق آیه، تفسیر و توضیح آیه، بیان بطون آیه، علوم قرآن، احکام فقهی و عبادات. بعلاوه روایات غیرتفسیری او مشتمل بر احادیث فقهی و تاریخی و فضائل اهل بیت علیهم السلام است.



منابع:

- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه تاریخ، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۳۷۸ق.
- اخوان مقدم، زهره، آیه تطهیر در آیینه شعر عرب، تهران، انتشارات نبأ، ۱۳۹۲ش.
- اخوان مقدم، زهره، اصول تفسیر قرآن برگرفته از روایات اهل بیت، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۳ش.
- اسعدی، محمد، و همکاران، آسیب شناسی جریان‌های تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب والسنن والادب.
- ذهبی، محمدحسین، التفسیر والمفسرون.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، قم، جامعه المصطفی، ۱۳۸۷ش.
- سید بن طاووس، سید علی بن موسی، مصباح الرائر، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان، تصحیح علامه شعرانی، مکتبه الاسلامیه، ایران، تهران.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، مصباح المتهجد.
- علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم، مرکزین المللی نشر المصطفی، ۱۳۹۴ش.
- یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، دارنهضه، مصر.

سینا